

# حکمتیست ۱۷۹

۲ اکتبر ۲۰۱۷ - ۱۰ مهر ۱۳۹۶  
دوشنبه ها منتشر میشود

## رفراندم در کردستان عراق تمام شد!

### این تازه آغاز کار است

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

روز ۲۵ سپتامبر، علیرغم مخالفتها و کار شکنی های سازمان ملل و شورای امنیت آن، علیرغم تهدیدات و ارباب های نظامی و اقتصادی دولت های ترکیه، ایران و عراق، در مقابل رفراندم در کردستان عراق، مردم در رفراندم بر سرجایی از عراق، رای به جدایی و تشکیل دولتی مستقل دادند.

این رای، با ابراز تاسف سازمان ملل و شورای امنیت آن و تهدیدات اقتصادی و نظامی ایران و ترکیه و دولت عراق روبرو شده است. رسانه های دول غربی، هم صدا با مخالفت سازمان ملل و شورای امنیت، این خبر را کم صدا و محدود منعکس کردند و با هر گزارشی صدها بار تاکید دولت اقلیم بر غیرقابل الزام بودن اجرای اراده مردم را یادآوری کردند. ... صفحه ۲



### دست ناسیونالیسم و قوم پرستی از

### جنبش های آزادیخواهی کوتاه!

مظفر محمدی

استقبال مردم کردستان ایران از رفراندم در کردستان عراق را جریانات مختلف هر کدام بر اساس منافع طبقاتی و سیاسی خود تعبیر و تفسیر کردند. برای کارگران و زحمتکشان و مردم آزادیخواه در کردستان ایران اما این استقبال و حمایت معنای دیگری دارد. از نظر ناسیونالیسم کرد در هر دو بخش کردستان، اقدام آزادیخواهانه و انساندوستانه مردم شهرهای کردستان ایران، تاییدی بر قوم گرایی و تقدیس ملی گرایی است. از نظر ناسیونالیسم کرد، حمایت مردم شهرهای کردستان ایران بویژه سنج از مبارزات قهرمانانه زنان و مردان کوبانی و یا حتی اعتراض به دستگیری عبدالله اوچلان با همکاری

دستگاه های جاسوسی دول مرتجع منطقه هم، نشانه قوم گرایی این مردم است! این ادعا، توسط کارگران و زحمتکشان و کمونیست های کردستان، بشدت مذموم و محکوم و توهینی به حرمت و آزادیخواهی مردم کردستان نامیده می شود. حمایت مردم کردستان ایران از رفراندم، احترام به رای اکثریت مردم کردستان عراق برای تعیین سرنوشت خویش است. و این جوابی به همه مخالفان این رای از شورای امنیت سازمان ملل تا دول مرتجع منطقه از جمله جمهوری اسلامی است. ناسیونالیست های کرد، با اشاره به چند پرچم و شعار اینجا و آنجا در تجمعات چند ده هزار

نفری در شهرهای کردستان، میخواهند مهر قوم پرستی و ملی گرایی به این تحرکات انسانی و آزادیخواهانه بزنند. و این تلاشی عبث و شرم آور است. سنت آزادیخواهی و انساندوستی در کردستان ایران، ریشه در جنبشی انقلابی و رادیکال سوسیالیستی و کمونیستی دارد که بیش از سه دهه است، نسلی از کارگران کمونیست و فعالین سوسیالیست و آزادیخواه، مدافعین برابری زن و مرد، حامیان حقوق کودک، دفاع از محیط زیست و غیره در کردستان ایران، پرورش داده است. ... صفحه ۳

### رویدادهای هفته

فواد عبداللہی

۱- رفراندم در کاتالونیا؛ کلاه گشاد دموکراسی و اتحاد داوطلبانه

روز یکشنبه ۱ اکتبر ۲۰۱۷ مردم در رفراندم کاتالونیا - اسپانیا، علیرغم حمله خشن نظامی پلیس و زخمی شدن قریب پانصد نفر، تعرضی که نمایشی از دخالت وسیع و بی رحمانه نیروی سرکوبگر نظامی در قلب اروپا بود، سرانجام رای به جدایی کاتالونیا از اسپانیا داد. مستقل از ساختار و شکل جمهوری که کاتالونیا خواهان آن است، مستقل از ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور جدید کاتالونیا، این رفراندم در اولین قدم، یک ابراز وجود سیاسی، اجتماعی و متشکل بخشی از شهروندانی است که میخواهند به شیوه دیگری سازمان کشوری بیابند. ابراز وجودی که توسط دولت اسپانیا سرکوب میشود. بعلاوه و مهمتر کمسیون اروپایی اتحادیه اروپا نه تنها به نقض حقوق شهروندان اعتراض ندارد، نه تنها قطعنامه ای در محکومیت دولت اسپانیا صادر نمی کند، بلکه اعلام میکند که این مردم کاتالونیا هستند که مرتکب حرکتی غیرقانونی شده اند! از کلاه شمشیر بازی دموکراسی، باز هم خرگوش معجزه آسایی بیرون جهید! بوی گند دروغ دفاع از "آزادی ابراز وجود سیاسی و آزادی ابراز وجود اجتماعی و دفاع از حقوق بشر و ...". دموکراسی بورژوازی و آزادی های مشروط، مطابق با منافع قدرت های اصلی اقتصادی جهان، بار دیگر فضا را مسموم کرد. امروز سازمان ملل و اتحاد اروپا و کمسیون های حقوق بشر و کنوانسیون های حقوق شهروندان و .. چیزی بیش از "زوایدی" بر پیکر قدرت های اصلی اقتصادی و سیاسی جهان نیستند. اسپانیا بعد از این رفراندم، کشور کاتالونیا تشکیل بشود یا نشود، کشوری با بحران سیاسی و شکاف های قومی و ملی عمیق تری است. حق استقلال و جدایی یا اتحاد، درخود بیانگر کسب آزادی یا برابری نیست. اما سلب این حق، بی تردید ضربه بزرگی به مبارزه طبقه کارگر و کمونیسم برای کسب آزادی و برابری انسانها میزند. اتحاد اجباری در مقابل اتحاد داوطلبانه، بیش از هر کسی در چشم کارگران جهان که مرز و کشوری ندارند خاک می پاشد! بر پیشانی آنها مهر ملی و قومی میکوبد! در صف طبقه کارگر شکاف قومی و مذهبی و ملی را تعمیق میکند و بر احساس همسرنوشتی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر مانع ایجاد می کند. ... صفحه ۴

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

رفراندم ...

برگزاری رفراندم علیرغم تمام این تهدیدات برای مردم کردستان عراق، دستاورد مهمی است. اما این تازه آغاز کار است! مردم در کردستان عراق و در عراق، طبقه کارگر در هردو بخش، باید در وهله اول دولت اقلیم و دولت عراق را تحت فشار بگذارند که بلافاصله و بدون هیچ شرط و شروطی به رای مردم کردستان عراق کردن بگذارند!

بی تردید جدایی و تشکیل دولت مستقل، تنها و تنها میتواند یکی از موانع پیشروی مبارزه مردم در کردستان عراق و در عراق، برای دستیابی به آزادی و رفاه را از پیش بردارد و سر یک شکاف عمیق قومی و ملی و مذهبی در این جغرافیا را هم بیاورد. به شرطی که اراده مردم، توسط مردم به اجرا درآید! به شرطی که اراده مردم، وجه معامله و مذاکره و گروکشی و دیپلماسی احزاب سنتی ناسیونالیسم کرد نگردد! به شرطی که مردم پس از این رفراندم از صحنه خارج نشوند و امر تشکیل دولت مستقل را خود راسا بدست بگیرند!

اولین شرط برای اجرای تصمیم مردم در کردستان عراق، کوتاه کردن دست دولت های مرتجع منطقه، عراق، عربستان، ترکیه و ایران از دخالت در این پروسه، و مقابله با تهدیدات دولت عراق و تهدیدات نظامی و اقتصادی ترکیه و ایران است. تهدیداتی که اساسا با تکیه بر وعده های دولت اقلیم در مورد "غیرالزامی بودن نتیجه رفراندم"، با هدف عقب راندن احزاب سیاسی و مردم کردستان و قناعت احزاب ناسیونالیست کرد به مذاکره و معامله و امتیاز گیری، صورت میگیرد.

مهمترین شرط پیشروی، تسلیح عمومی برای مقابله با تهدیدات و ارعاب نظامی و دفاع از خود، و بدست گرفتن و به اجرا درآوردن فوری نتیجه رفراندم و اعلام استقلال کردستان عراق، توسط مردم است. تشکیل فوری کشور کردستان، بعنوان کشوری غیرقومی و غیرمذهبی، سکولار که در آن آزادی احزاب سیاسی، آزادی ایجاد سازمان و تشکل و اعتصاب و اجتماع، بی قید و شرط تامین و تضمین میشود، بعنوان

کشوری که در آن اعدام و هر نوع تبعیضی، جنسی و مذهبی و نژادی و ملی و .. ممنوع است، حداقلی است که توسط اراده مردم باید در کردستان تازه تشکیل شده، تامین و تضمین شود.

بدون شک در شرایطی که این پروسه در جهت منافع مردم کردستان و با دخالت آنها چنین پیش برود، در شرایطی که مردم آزادخواه به میدان بیاند و در دفاع از خود متحد و مسلح شوند، نه تنها میتوانند تهدیدهای دول مرتجع را عقب بزنند، نه تنها میتوانند مانع هر نوع بند و بست میان دولت مرکزی عراق و احزاب ناسیونالیست شوند، که بیشترین پشتیبانی و همبستگی بشریت متممندان جهان را به خود جلب میکنند.

کمونیسم در کردستان عراق، در راس این تلاش و مبارزه و برای گسترش دستاورد رفراندم در کردستان عراق است!

حزب کمونیست کارگری  
ایران حکمتیست (خط  
رسمی)

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۷

**رفاه و آزادی بدون احساس امنیت.  
بدون زندگی در شرایطی امن. که در  
آن شهروندان در هراس از فقر.  
جنگ و تخریب. و بدون هراس از  
بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی  
که سرمایه برای آنها رقم میزند  
تسلیم نشوند. ممکن نیست.**

**بدون احساس امنیت و برخورداری  
از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل  
آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی  
را تجربه کنند. تحقق مطالبات برحق  
مردم ممکن نیست. این حکم امروز  
بخصوص. در شرایطی که جهان  
سراسر به میدان تعرض تروریسم  
دولتی و غیردولتی تبدیل شده است.  
بیش از پیش صدق میکند.**

مبارزه ما برای برابری و رفع تبعیض در متن جوامع سرمایه داری موجود جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به صف مقدم هر مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق دارد و معتقد است که برابری حقوقی همه و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت و غیره باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود. کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل برابری کامل حقوق فردی و مدنی افراد است باید بلافاصله لغو شوند، کلیه موارد اعمال تبعیض توسط هر شخص و مرجع و مقام و نهاد، اعم از دولتی و غیر دولتی، مورد پیگیری جدی قرار بگیرد و عاملین آن مطابق قانون محاکمه شوند. ...

مرکب بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد سوسیالیسم!

دست ناسیونالیسم ...

نسلی که هیچ سر آشتی با تبعیض و تقسیم انسان بر اساس جنسیت، ملیت، زبان و نژاد ندارد و با آن بیگانه است.

کردستان هم مانند همه جوامع بشری امروز جامعه ای طبقاتی است.

در یک صف، بورژوازی کرد است که در تمام طول حیات جمهوری اسلامی نقش دوگانه خود را بازی کرده است. از طرفی با بورژوازی حاکم و دولتش جمهوری اسلامی حشر و نشر دارد و در مجلس اسلامی و نهادهای قومی مانند جبهه متحد کرد، کردهای مقیم مرکز، فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس اسلامی و غیره دست در دست هم و شریک است. از طرف دیگر از ناسیونالیسم و قوم گرایی و باد زدن احساسات قوم پرستانه، بعنوان عامل فشاری بر جمهوری اسلامی برای معامله و سهم بری بیشتر در قدرت و ثروت استفاده می کند. بورژوازی و احزاب ناسیونالیست کرد، به همین اعتبار بگونه شرم آور و مذبوحانه ای سعی دارد به هر تحرک اجتماعی و آزادیخواهانه چه علیه جمهوری اسلامی و از جمله حمایت مردم کردستان از رفراندوم در کردستان عراق و رای مردم، مهر قومی و مذهبی بزند.

در صف مقابل، جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهانه

ی کارگران و مردم زحمتکش کردستان است که همزمان با مبارزه مستقل خود علیه جمهوری اسلامی و حامیانش در میان ناسیونالیستهای کرد درون این رژیم، با جریانات ناسیونالیستی و قوم پرستانه در اپوزیسیون هم در جدالی دایمی است. کمونیسم و آزادیخواهی در کردستان به ناسیونالیسم کرد اجازه نخواهد داد، جامعه کردستان را با سموم قوم پرستی و سنی گری آلوده کرده و هم سرنوشتی طبقاتی کارگران و همبستگی مبارزاتی مردم کردستان با طبقه کارگر و همه آزادیخواهان ایران علیه جمهوری اسلامی را، آلوده کند.

در تاریخ این دوره مبارزات آزادیخواهانه و رفاه طلبانه مردم کردستان ما شاهد تقابل این دو جنبش بوده ایم. کمونیست ها، آزادیخواهان و مردم مبارز کردستان ایران حمایت خود از همسرنوشتان خود در کردستان عراق را تا رسیدن به استقلال و برپایی یک حکومت غیرقومی و غیر مذهبی ادامه خواهند داد. مردم کردستان ایران شاهد بیش از دو دهه حاکمیت بورژوازی کرد و احزاب ناسیونالیست آن بر مردم کردستان عراق و تاراج داراییهای این جامعه بوده اند. استقبال این مردم استقبال از تداوم حاکمیت ناسیونالیسم کرد بر کارگران و زحمتکشان کردستان عراق نیست.

پرچی که ناسیونالیستهای کرد در تجمعات مردم در شهرهای کردستان ایران بلند کردند و یا زنده بادی که گفتند، مطلقاً ربطی به حمایت تجمعات بزرگ مردم از رای مردم کردستان عراق ندارد. سوسیالیست ها و طرفداران آزادی و برابری باید اینگونه تمهیدات فرصت طلبانه ی قوم پرستان در صفوف مبارزات آزادیخواهانه مردم را حاشیه ای و افشا کنند و اجازه ندهند جنبش آزادیخواهی مردم را با شعارهای قومی و مذهبی لوٹ کنند.

همچنین مردم کردستان ایران با تجمعات بزرگ خود نشان دادند که هر گونه تهدید و اخلال در پروسه آزادی رای مردم کردستان عراق را محکوم می کنند. حمایت کارگران و زحمتکشان و جنبش آزادیخواهی در کردستان ایران همچنین، جمهوری اسلامی را در تهدیدات خود علیه رای مردم کردستان عراق بسیار محتاط می کند. برای جمهوری اسلامی آسان نیست از مرزهای کردستانی که به حمایت از رای مردم کردستان عراق برخاسته است، برای هر گونه تعرض و دخالت استفاده کند. و این مایه دلگرمی کارگران و مردم زحمتکش کردستان عراق برای پافشاری بر اجرای رایشان و جلوگیری از هرگونه معامله بر سر این رای با دولت مرکزی عراق و یا به بهانه مخالفت های دول

## برابری زن و مرد؛

### ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند. حزب کمونیست کارگری - حکمیتست برای برابری کامل و بدون قید و شرط زن و مرد در کلیه شئون مبارزه میکند.

## یک دنیای بهتر - برنامه حزب

### را بخوانید!

**امروز سرمایه داری بیش از هر زمان به اعتبار**

**شده است؛ ازجیف ضد کمونیست به بعد از**

**سقوط بلوک شرق مدتهاست بایگانه شده**

**اند و کسے رافانغ و بخت نمے کند؛ بدگے**

**مزدی محتوم نیست و کماکان تنها یک**

**انقلاب کارگری قدرتمند میتواند ورق را به**

**نفع بشریت برگرداند.**

بورژوازی بین المللی و منطقه، برای استقلال و تشکیل حکومتی از پایین و توسط شوراها ی کارگران و مردم است. و رفراندامی بین المللی و منطقه، برای استقلال و تشکیل حکومتی از پایین و توسط شوراها ی کارگران و مردم است. و رفراندامی بین المللی و منطقه، برای استقلال و تشکیل حکومتی از پایین و توسط شوراها ی کارگران و مردم است.

## رویدادهای هفته ...

## ۲- یمن می سوزد!

طبق گزارش موسسه "آکسفام"، کشور یمن بدترین اپیدمی وبا در طول تاریخ را به خود اختصاص داده است. مبتلایان به این بیماری از مرز ۵۰۰ هزار نفر گذشته اند و تاکنون بیش از دو هزار نفر در پی ابتلا به این بیماری جانشان را از دست داده اند. به طور قطع، یمن هم مانند سوریه، عراق و لیبی قربانی مستقیم دخالت غرب است و به بخشی از کشمکش و رقابت قطب های بورژوازی بین المللی تبدیل شده است. کشمکش این مرتجعین در دل خاورمیانه و از کانال جنگ دول هار منطقه از عربستان تا ایران کماکان در جریان است و هر ثانیه جنایات می آفرینند. تا جایی که به یمن برگردد، بنیان این جهنم هر آنچه دو طرف این جنگ در زرادخانه تسلیحاتی شان داشته اند، بر سر مردم بیگناه یمن خالی کرده اند. شهرها و مناطق مسکونی که صدها کیلومتر از نوار مرزی دور اند توسط دول مربوطه برای رسیدن به سهم خواهی شان، گلوله باران و بمباران شده اند. خبرها حاکی است تاکنون بیش از ده هزار غیر نظامی جان باخته اند. حل و فصل تقسیم دنیا و تغییر آرایش سیاسی و نظامی جدید بین نیروهای بورژوازی بین المللی، بدون تحمیل این سیاهی مطلق به زندگی بشریت ممکن نیست و جغرافیای اصلی تحمیل این بربریت، خاورمیانه است. اگر این عقبگرد در خاورمیانه خود را در اشکال جنگهای خونین قومی - مذهبی نشان می دهد، در غرب به شکل عروج راست افراطی در قامت ترامپ ها و برکزیت ها در تعرض به دستاوردهای بشری خودنمایی می کند. برای مقابله با این تباهی که به اکثریت مردم جهان ما تحمیل کرده اند، راهی جز عروج یک جنبش عظیم و قدرتمند کمونیستی - کارگری وجود ندارد.

## ۳- گوانتاناموی "افغان" ها!

خبر "کوتاه" بود؛ در شهر شاهده یزد، درب یکی از مدرسی که کودکان افغانستانی قرار بوده سال تحصیلی جدید را در آن آغاز کنند، بسته می شود. چرا؟ چون "افغانی" اند و "خون پاک ایرانی و آریایی" در رگهایشان جریان ندارد!!

براستی چه کسی، نهادی یا هیولایی در مقابل اینگونه اجحافات در حق شهروندان افغانی ساکن در ایران "مسوول" است؟ دولت؟ پلیس؟ نیروی انتظامی؟ اداره آموزش و پرورش؟ کارفرما و "کارآفرین"؟ اداره ثبت احوال؟ اداره "اتباع بیگانه"؟ رسانه های دولتی؟ جناب روحانی و کابینه اش؟ مجلس و مجلس نشینان "محترم"؟

آنچه عیان است دهن کجی تمام و کمال هیئت حاکمه موجود، نظامی با قوانین و فرهنگ و منافع حقیرش، نظامی که یکی از ستون هایش خارجی ستیزی است، علیه مهاجران بی حقوق افغانستانی است. کمتر جایی در تاریخ این نظام سراغ داریم که زندگی پر از رنج و فقر مهاجران افغانستانی توسط این اوباشان مورد تهاجم و تعرض نبوده باشد. بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاع حاکم در خدمت رواج و بازتولید هر روزه تفرقه قومی و ملی در جامعه و در صفوف مردم اند.

هیچ انسان شرافتمندی، مصائب هولناکی که بورژوازی ایران به سرکردگی جمهوری اسلامی بر سر جامعه آورده است را ناشی از وجود مهاجرین افغانستانی نمی داند.

هیچ وجدان بیداری، شلاق خوردن کارگران، به بند کشیدنشان، به کار گماشتن کودکان و بی مسکنی، اعدام و آپارتاید جنسی، و ... را در وجود مهاجر افغانستانی نمی بیند. هیچ انسان آزادیخواهی، عدم امکانات رفاهی، عدم امنیت اجتماعی و شغلی، فقدان آینده روشن

فرزندانش و تباهی هم نوعانش را در تبلیغات نژادپرستانه و ناسیونالیستی نظام حاکم علیه مهاجرین افغانستانی نمی بیند. هیچ انسان دوستی پا به تله "حق ویژه"، نمی گذارد؛ حق برخورداری برابر و مکفی از امکانات اجتماعی حق هر انسانی است مستقل از ملیت و مذهبش..

بیش شرط چنین حقی، کنار زدن حاکمیت استبداد بر جامعه ایران است. تبعیض نهادینه شده و هویت تراشی کاذب ملی و مذهبی، قانون رسمی حاکمیت بورژوازی در ایران است. اگر کسی مشتاق دیدن انسانیت و حقوق جهانشمول انسان در ایران است، اگر کسی می خواهد روزنه های امید به آزادی و برابری و خوشبختی انسانها فارغ از ملیت و مذهب و جنسیت شان، فارغ از محل تولد و خواستگاه طبقاتی شان را مشاهده کند، اگر کسی تشنه حقیقت و نعدوستی است، کافیت تنها یک لحظه، ترس از نامنی و بیکاری و فقر، هراس از تامین معاش، ترس از چاقوی خفقان و وحشت را از روی جامعه بردارد. مردم ایران تشنه رفاه و عدالت و مدنیت و نعدوستی اند؛ تکیه گاه ما کمونیست ها تنها جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در اعماق این جامعه است؛ فقط عروج پیروزمند این جنبش می تواند خوشبختی اکثریت مردم ایران را تضمین کند و پایانی بر گوانتاناموی "افغان" ها باشد.

## ۴- دلالی سیاسی با داعش

های تهران!

"کودار" شاخه ای از همان سازمان "پژاک" اخیرا در مدح و ثناء عاشورا و "شور حسینی"، اطلاعاتیه صادر کرده است که به جمهوری اسلامی یادآوری کند مبدا ارزشهای عاشورا را فراموش کند: "پیام عاشورا مقاومت در برابر ظلم بود.."

برای کسی که پژاک را می شناسد، این دم جنابان ها و

## نشریه حکمت

## حزب حکمتیست (خبر رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

@HekmatistXateRasmi

## تلفن با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

راه، تنها میتواند اشکال متنوعی از دو رویی و فرصت طلبی این سازمان را به ما نشان دهد. کمونیست ها وظیفه دارند از تمام حقه بازی ها و شیادی های سیاسی اینها برای کسب نیمچه "اعتباری" نزد جمهوری اسلامی، عکس بگیرند، به گردنشان آویزان کنند و به همه نشان دهند. باید کاری کرد که در روز پیوستن اینها به جبهه جمهوری اسلامی، یک بنی بشر هم تحویلشان نگیرد.

این ابراز علاقه ها به "ارزشهای" مذهبی حاکمیتی که بیش از سه دهه است خون مردم ایران را در شیشه کرده است، جای تعجب ندارد. اینها چهار دست و پا حاضرند با جمهوری اسلامی کنار آیند، به خدمت گرفته شوند، مثل عمو اوجلان شان به اسلام ابراز علاقه نشان دهند، مرثیه بخوانند تا بلکه حکومت اسلامی در ایران آنها را به خدمت بگیرد و نهایتا از این راه "محبوبیتی" دست و پا کنند. دوستی یک روز اینها و دشمنی روز دیگرشان با جمهوری اسلامی دو روی یک سکه است.

لبیک گفتن اینها به عاشورا و حکومت اسلامی ایران، فداکاری های بزرگ و کوچکیان در این

حکمت پستی را  
توزیع و پخش کنید!